

# نوسازی، تغییر فرهنگی

## و دموکراسی

با مقدمه مؤلفان برای ترجمه فارسی کتاب

رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل

مترجم: دکتر یعقوب احمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

## فهرست

۹	..... مقدمه مترجم
۱۱	..... مقدمه مؤلفان برای ترجمه فارسی کتاب
۲۱	..... پیشگفتار
۳۷	..... بخش اول: نیروهای مولد تغییر ارزشی

### فصل ۱. نظریه بازنگری شده نوسازی

۳۹ ..... مشاجره درباب نظریه نوسازی/۳۹/ پایداری فرهنگ‌های سنتی/۴۴/ اولویت علی توسعه اجتماعی - اقتصادی/۴۸/ دو بُعد تغییر فرهنگی/۵۲/ صنعتی شدن و رشد ارزش‌های سکولار- عقلانی/۵۴/ فراصنعتی شدن و رشد ارزش‌های ابراز وجود/۵۶/ اشکال فردگرایانه معنویت/۶۰/ مخاطرات انسان‌گرایی و تهدیدهای خودمحوری/۶۲/ تغییر ارزش به‌عنوان یک فرایند فرهنگی/۶۳/ تغییر ارزش در طول تاریخ/۶۴/ شناخت و تجربه به‌عنوان منابع تغییر ارزش/۶۷/ تغییر فرهنگی و تجلیات نهادی آن/۶۹/ تغییرات انباشتی و موفقیت‌های ناگهانی/۷۲/ پیامدهای تغییر فرهنگی/۷۵/ واکنش‌های ضدمدرن به مدرنیته/۷۶/ نوسازی یا غربی‌شدن/۷۷/ امنیت وجودی و جامعه دانایی محور/۷۸/ جمع‌بندی: شکل دگرگون‌شده نظریه نوسازی/۷۹/ پی‌نوشت‌ها/۸۱

### فصل ۲. تغییر ارزش‌ها و تداوم سنت‌های فرهنگی

۸۳ ..... توسعه اقتصادی - اجتماعی و تغییر فرهنگی/۹۲/ نقشه فرهنگی جهان/۹۷/ مناطق فرهنگی چقدر واقعی‌اند؟/۱۰۰/ تعمیم عوامل منطقه‌ای فرهنگی/۱۰۹/ جمع‌بندی/۱۱۴/ پی‌نوشت‌ها/۱۱۵

فصل ۳. جستجوی ناشناخته‌ها: پیش‌بینی پاسخ‌هایی که هنوز پیمایش نشده‌اند ..... ۱۱۷  
مقدمه/۱۱۷/ توسعه فرمول‌های پیش‌بین/۱۲۲/ پیش‌بینی‌های تصادفی درمقابل پیش‌بینی‌های  
سیستماتیک/۱۲۸/ پیش‌بینی پاسخ‌های ۱۲۰ جامعه در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶/۱۳۰/ پیش‌بینی  
پاسخ‌ها به پرسش‌های ویژه در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶/۱۳۳/ جمع‌بندی/۱۳۵/ پی‌نوشت‌ها/۱۳۶

فصل ۴. تغییر ارزشی بین نسلی ..... ۱۳۷  
تفاوت‌های نسلی و تغییر فرهنگی/۱۳۹/ رشد ارزش‌های فرامادی‌گرایانه/۱۴۱/ آزمون فرضیه تغییر  
ارزشی/۱۴۴/ علل اثرات دوره‌ای کدامند؟/۱۴۶/ تفاوت‌های ارزشی بین نسلی در اطراف جهان/۱۵۲/  
جمع‌بندی/۱۵۸/ پی‌نوشت‌ها/۱۵۹

فصل ۵. تغییرات ارزشی در طول زمان ..... ۱۶۳  
رشد فعالیت مدنی به چالش‌کننده‌ی نخبگان/۱۶۳/ جنبه‌های دیگر دگرگونی به‌سوی ارزش‌های ابراز  
وجود/۱۷۶/ نگرش‌ها نسبت به برابری جنسیتی/۱۸۰/ شادی و اعتماد بین فردی/۱۸۱/ تغییرات بُعد  
بقاء/ابراز وجود به‌عنوان یک کل/۱۸۳/ جمع‌بندی/۱۸۶/ پی‌نوشت‌ها/۱۸۷

فصل ۶. فردگرایی، ارزش‌های ابراز وجود و خصایص شهروندی ..... ۱۸۹  
فردگرایی، استقلال و ابراز وجود: ریشه‌های روانشناختی توسعه انسانی/۱۸۹/ فردگرایی، خودمختاری و  
ابراز وجود به‌عنوان پدیده‌های درحال تکامل/۱۹۳/ نیروی روانشناختی درجهت ابراز وجود انسانی: رفاه  
ذهنی/۱۹۴/ ماهیت مدنی ارزش‌های ابراز وجود/۱۹۷/ جمع‌بندی/۲۰۱/ پی‌نوشت‌ها/۲۰۲

## بخش دوم: پیامدهای تغییر ارزشی ..... ۲۰۳

فصل ۷. پیوند روابط علی میان ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک: بحث نظری ..... ۲۰۵  
مقدمه/۲۰۵/ مرکزیت ارزش‌های ابراز وجود/۲۰۶/ فرهنگ‌ها و نهادها: عامل مبین کدام است؟/۲۱۵/  
مقایسه‌های روشن‌کننده/۲۱۸/ کوتاه‌بینی نخبه‌محور یا نهادمحور/۲۲۴/ نوسازی و تغییر رژیم/۲۲۸/  
محدودیت‌های نوسازی اجتماعی - اقتصادی/۲۳۰/ جمع‌بندی/۲۳۱/ پی‌نوشت‌ها/۲۳۲

فصل ۸. رابطه علی ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک: تحلیل تجربی ..... ۲۳۵  
تبیین‌های نهادی و تبیین‌های فرهنگی/۲۳۵/ تعریف دموکراسی/۲۳۷/ منشأ موج سوم  
دموکراتیک‌شدن/۲۳۸/ تحلیل آماری علّیت/۲۴۰/ گام اول: تبیین وجود دموکراسی رسمی/۲۴۳/ گام دوم:  
تبیین گذارها به دموکراسی و درجهت مخالف/۲۴۹/ گام سوم: تبیین سطوح دموکراسی کارآمد/۲۵۵/  
ارزش‌های ابراز وجود و دموکراسی کارآمد/۲۶۰/ نقش سایر عوامل ساختاری/۲۶۷/ گام چهارم: تبیین  
تفاوت‌های میان دموکراسی رسمی و دموکراسی کارآمد/۲۶۹/ جمع‌بندی/۲۷۱/ پی‌نوشت‌ها/۲۷۲

فصل ۹. نیروهای اجتماعی، فعالیت جمعی و حوادث بین‌المللی ..... ۲۷۹  
آهنگ‌های تغییر/۲۸۲/ عوامل محرک خارجی/۲۸۵/ فرهنگ توده و رفتار نخبگان/۲۸۷/ تحلیل  
مسیر/۲۹۴/ تغییر فرهنگی و فعالیت جمعی/۲۹۶/ جمع‌بندی/۳۰۲/ پی‌نوشت‌ها/۳۰۳

فصل ۱۰. ارزش‌های سطح فردی و دموکراسی سطح نظام: مسائل تحلیل چندسطحی ..... ۳۰۵  
تعبیر نادرست از مغلطه بوم‌شناختی/۳۰۵/ تمایلات توده و خصوصیات نظام/۳۰۸/ تبیین تفاوت‌های  
چندسطحی/۳۰۹/ (۱) پیوستگی‌های میان سطح اجتماعی و سطح فردی با نشانه‌های متضاد/۳۰۹/  
(۲) همبستگی سطح اجتماعی که در سطح فردی وجود ندارد/۳۱۰/ (۳) پیوستگی‌های قوی سطح  
اجتماعی در سطح فردی ضعیف‌تر هستند/۳۱۰/ اثرات آستانه‌ای و تمایلات مرکزی/۳۱۰/ تعادل  
ارزش‌های توده در میان فرهنگ‌ها/۳۱۴/ جمع‌بندی/۳۲۰/ پی‌نوشت‌ها/۳۲۲

فصل ۱۱. عناصر فرهنگ مدنی حامی دموکراسی ..... ۳۲۳  
نظریه‌های رقیب فرهنگ سیاسی/۳۲۳/ سه رهیافت رقیب/۳۲۵/ استراتژی تحلیلی/۳۲۸/ رهیافت  
مشروعیت/۳۲۹/ رهیافت اجتماع‌گرایی/۳۳۵/ رهیافت توسعه انسانی/۳۳۷/ مرکزیت مطالبات  
آزادی/۳۴۰/ اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی/۳۴۲/ اشکال محافظه‌کارانه و به چالش‌کشنده فعالیت  
مدنی/۳۴۴/ حمایت ذاتی و ایزاری از دموکراسی/۳۴۶/ جمع‌بندی/۳۵۴/ پی‌نوشت‌ها/۳۵۵

فصل ۱۲. برابری جنسیتی، ارزش‌های رهایی‌بخش و دموکراسی ..... ۳۵۹  
برابری جنسیتی، جنبه‌ای از توسعه انسانی/۳۵۹/ علت‌های سنتی نابرابری جنسیتی/۳۶۵/ عوامل جدید  
تقویت‌کننده برابری جنسیتی: دولت رفاه/۳۶۶/ جامعه دانایی‌محور درحال ظهور/۳۶۹/ سنت‌های رژیم

و خصوصیات نهادی/۳۶۹ میراث دینی: جوامع غربی و جوامع غیرغربی/۳۷۰ رشد ارزش‌های ابراز  
وجود/۳۷۱ جمع‌بندی/۳۷۲ پی‌نوشت‌ها/۳۷۳

فصل ۱۳. دلالت‌های نظریه توسعه انسانی ..... ۳۷۵

توسعه انسانی: دگرگونی انسان‌گرایانه نوسازی/۳۷۵ توالی توسعه انسانی/۳۷۷ جنبه‌های اخلاقی توسعه

انسانی/۳۷۹ خودمجوی درمقابل ارزش‌های انسان‌گرایانه؟/۳۸۳ توسعه انسانی و سرمایه

اجتماعی/۳۸۶ توسعه انسانی از دیدگاه تاریخی/۳۸۸

نتیجه‌گیری: نظریه رهاينده درباب دموکراسی ..... ۳۹۱

منابع ..... ۳۹۵

نمایه ..... ۴۳۵

## نظریه بازنگری شده نوسازی

### مشاجره درباب نظریه نوسازی

آیا تاریخ در چارچوب الگویی منسجم درحال حرکت است؟ مردم جوامع مختلف، جهان را به صورت متفاوتی ملاحظه نموده و ارزش‌های بسیار متفاوتی دارند. در بعضی از کشورها، ۹۵ درصد از مردم می‌گویند که خدا در زندگی‌شان بسیار مهم است، در جوامع دیگر کمتر از ۳ درصد از مردم بر این باور تأکید می‌کنند. در بعضی از جوامع، ۹۰ درصد مردم معتقدند که در زمان کمبود شغل، مردان بیش از زنان حق اشتغال دارند، در جوامع دیگری تنها ۸ درصد از مردم این‌گونه می‌اندیشند. این تفاوت‌های میان ملت‌ها شدید و مداوم هستند. البته همچنان‌که این کتاب شرح خواهد داد، این ارزش‌ها و بسیاری از ارزش‌های مهم دیگر در کشورهای توسعه یافته در سراسر جهان به تدریج درحال تغییر هستند.

این تغییرات کاملاً قابل پیش‌بینی‌اند، زیرا ارتباط تنگاتنگی با توسعه اجتماعی - اقتصادی دارند. این تغییرات به طور بنیادی در همه جوامع درحال وقوع بوده و پیامدهای مهمی دارند. ارزش‌های درحال تغییر به عقاید مذهبی، انگیزه‌های شغلی، نرخ‌های باروری، نقش‌های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی شکل تازه‌ای بخشیده و تقاضاهای عمومی برای نهادهای دموکراتیک و رفتار پاسخگویانه‌تر نخبگان را رشد می‌دهند. همچنان‌که شرح خواهیم داد، توسعه اجتماعی - اقتصادی تغییرات فرهنگی کاملاً قابل پیش‌بینی را به همراه می‌آورد و فراتر از آستانه ای خاص، این تغییرات به طور فزاینده‌ای احتمال گذار به دموکراسی در نظام‌های غیردموکراتیک و استحکام و کارآمدی آن در نظام‌های دموکراتیک را ممکن می‌سازد.

نظریه نوسازی بر ایده پیشرفت انسانی مبتنی است (کارنیرو، ۲۰۰۳؛ ۶۷). به لحاظ تاریخی، این ایده، ایده‌ای نسبتاً جدید است. تا زمانی که انسان‌ها بر محیط طبیعی‌شان کنترل معناداری نداشتند و اقتصادهای کشاورزی در دام توازن پایداری که تقریباً هیچ‌گونه تغییر محسوسی از نسلی به نسل بعد در آن‌ها به وقوع نمی‌پیوست، گرفتار بودند، ایده پیشرفت انسانی به نظر غیرواقع‌بینانه می‌آمد (جونز

۱۹۸۵، ۲۴۶؛ مک نیل (۱۹۹۰، ۳۰۸). این وضعیت تنها با وقوع رشد مستمر اقتصادی آغاز به تغییر نمود (نورث ۱۹۸۱، ۳۳۳).

در دوره‌ای که انقلاب تجاری در اواخر قرون وسطی به رشد سرمایه‌داری پیشاصنعتی در مناطق شهری اروپایی منجر شد، رشد اقتصادی در روندی پایدار موجب رشد جمعیت شد (هال ۱۹۸۹، ۲۰۱؛ لال ۱۹۹۸، ۲۶۵). همزمان با وقوع رشد اقتصادی و جمعیتی، فلسفه‌های انسان‌گرایی و روشنفکری نیز ظهور یافتند. ایده شکل‌گیری اختراعات تکنولوژیکی مبتنی بر تحقیقات منظم موجب چیرگی انسان در مبارزه همیشگی با باور تثبیت‌شده سعادت اخروی و غلبه بر محدودیت‌های طبیعی تحمیلی شد. علم با ایجاد منبع معرفتی نوینی که با مکاشفه عینی رقابت می‌کرد، انحصار عقلانی کلیسا را که از جامعه فئودال به‌عنوان نظمی ابدی و تغییرناپذیر به شدت دفاع می‌کرد، به چالش کشید (لاندس ۱۹۹۸، ۲۶۶). ایده پیشرفت انسانی متولد شد و همراه با آن نظریه نوسازی نیز به آرامی ظهور کرد.

آغاز نظریه نوسازی در عصر روشنگری با این باور همراه بود که پیشرفت تکنولوژی، کنترل بشر را بر طبیعت افزون خواهد نمود. آنتوان دین کوندورکت (۱۹۷۹) (۱۹۷۵)) از نخستین کسانی بود که صراحتاً به ارتباط میان توسعه اقتصادی و تغییر فرهنگی اذعان می‌نمود و عنوان می‌کرد که پیشرفت تکنولوژیکی و توسعه اقتصادی تغییرات اجتناب‌ناپذیری را در ارزش‌های اخلاقی مردم به همراه خواهند داشت. ایده پیشرفت انسانی اثر گسترده‌ای بر فلاسفه اجتماعی داشت، البته از آغاز تا به امروز، این نظریه توسط معتقدان به زوال اجتماعی که بشریت را در مسیر حرکت به‌سوی دوره تاریکی می‌بینند، مورد مخالفت قرار گرفته است. ادموند برک (۱۹۹۹) (۱۷۹۰)) چنین عقیده ضدمدرنی را در کتابش «واکنش‌ها به انقلاب فرانسه» تدوین کرده است، توماس مالتوس (۱۹۷۰) (۱۷۹۸)) نیز نظریه‌ای علمی درباره بلایای جمعیت شناختی تدوین نمود که در نظریه‌های معاصر درباره قریب‌الوقوع بودن فاجعه، بارها تکرار شده است.

موثرترین شکل نظریه نوسازی به‌وسیله کارل مارکس مطرح شد (۱۹۷۳) (۱۸۵۸)، (۳۰۱). الگوی مارکسی، نوعی نقد هوشمندانه از استثمار شدید که به باور او ویژگی جوامع صنعتی اولیه بود و راه حل اتوپیایی که بنابر ادعایش، صلح را به‌همراه آورده و به استثمار پایان می‌دهد را مطرح می‌نمود. تعدادی از پیش‌بینی‌های مارکس آشکارا اشتباه بودند. امروزه اساساً کسی باور ندارد که انقلاب پرولتاریایی که مالکیت خصوصی را منسوخ کرده و پایان تاریخ را به همراه دارد، به‌وقوع می‌پیوندد. البته این بینش که تغییرات تکنولوژیکی و توسعه اقتصادی - اجتماعی نتایج فرهنگی و سیاسی قابل

پیش‌بینی دارند، هنوز هم معتبر است. زمانی که مارکس و انگلس در سال ۱۸۵۸، مانیفست کمونیست را منتشر کردند، صنعتی‌شدن به‌شمار معدودی از کشورها محدود بود و طبقه کوچک کارگر، بی‌قدرت بوده و به‌طور ظالمانه‌ای مورد استثمار بود. مارکس و انگلس عنوان کردند که صنعتی‌شدن موج آینده خواهد بود و این‌که شمار کارگران صنعتی بسیار افزایش یافته و قدرت را در دست خواهند گرفت. اگرچه مارکس در پیش‌بینی رشد طبقه خدماتی و جامعه اطلاعاتی که پیش‌بینی او از کثرت عددی کارگران را عقیم می‌کرد، ناکام بود، اما کارگران صنعتی به نیروی سیاسی عمده‌ای در اکثر جوامع تبدیل شده‌اند و امروزه بیشتر جمعیت جهان در کشورهای صنعتی یا درحال صنعتی‌شدن زندگی می‌کنند (راون ۱۹۹۶، ۳۸۷؛ بارو ۱۹۹۷، ۲۵؛ ایستس ۱۹۹۸، ۱۴۴؛ هاگس ۱۹۹۹، ۲۱۷). آدام اسمیت (۱۹۷۶) (۱۷۷۶)) و کارل مارکس (۱۹۷۳) (۱۸۵۸)) انواع رقابتی نوسازی را معرفی نمودند، اسمیت طرفدار نوع سرمایه‌داری و مارکس طرفدار نوع کمونیستی آن بود. البته صرف نظر از تضادهای عقیدتی عمده آن‌ها درباره بهترین راه نیل به مدرنیته، هر دو متفکر، نوآوری‌های تکنولوژیکی و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی آن را همراه با تأکیدات گسترده بر فرهنگ و نهادهای سیاسی، پایه‌ای برای پیشرفت بشریت می‌دانستند. نقطه نظر مارکس از این لحاظ بسیار روشن بود، او خاطر نشان می‌کرد که توسعه اقتصادی - اجتماعی تعیین‌کننده تغییرات فرهنگی در نگرش‌های ارزشی جامعه است: نگرش‌های ارزشی رایج جامعه و استانداردهای اخلاقی، «روبنای ایدئولوژیکی» را شکل می‌دهند که منعکس‌کننده «زیربنای اجتماعی - اقتصادی» جامعه است و ایدئولوژی به‌طور اجتناب‌ناپذیری براساس تغییرات زیربنایی اقتصادی - اجتماعی تغییر می‌کند. در نتیجه، الغای مالکیت خصوصی پایان تاریخ را به همراه خواهد آورد، جامعه بی‌طبقه‌ای که در آن مردم هویتشان را براساس خطوط تفرقه‌انگیز تمایزات طبقاتی تعریف نمی‌کنند، بلکه خودشان و دیگران را در سراسر جهان به‌عنوان انسان‌های برابر می‌بینند. این مساوات‌طلبی جامعه بی‌طبقه، ارزش‌های انسان‌گرایانه را مسلط می‌سازد.

انواع رقابتی نظریه نوسازی پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که قدرت‌های برتر سرمایه‌داری و کمونیستی از ایدئولوژی‌های متضاد به‌عنوان خطوط راهنمای بهتر مسیر مدرنیته حمایت می‌کردند، مجدداً احیاء شدند. اگرچه آن‌ها به‌شدت با هم رقابت می‌کردند، اما هر دو ایدئولوژی به رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و نوسازی متعهد بوده و هر دو مشارکت عمومی گسترده در سیاست را با خود به‌همراه آوردند (مور ۱۹۶۶). به‌علاوه هر دو سو معتقد بودند که ملت‌های درحال توسعه جهان بایستی از مسیر کمونیستی یا سرمایه‌داری نوسازی پیروی کنند و دو قدرت برتر برای جذب